



۲۰۱۷/۰۶/۰۷

مصطفی «عمرزی»



قرباني فشار و تحمیل

(به منظور حمایت از محمد حنیف اتمر)

یادآوری:

این نوشته، کاری ست که چند سال قبل در هرج و مرج حکومت ائتلافی آقای کرزی در جمع چند تلخیص نوشتاری در دفاع و حمایت از نخبه گان افغان، نوشته بودم که در این فرصت با کمی تصحیح و اضافات، تقدیم می شود. بقیه ی این سلسله را در مجموعه ی کوچکی به نام «افغاننامه»، منتشر کرده ام.



پس از حمله ی مخالفان مسلح بر خیمه ی لویه جرگه که برای تدویر جرگه ی کوچک امن منطقه یی بود، محمد حنیف «اتمر»، از مدیران با کفایت اداره ی رییس جمهور کرزی، بر اثر ضعف های آشکار ریاست امنیت ملی و امر الله صالح، به نایب، شریک جرم شناخته می شود و و وظیفه ی او را در سلسله ی ضد و بند هایی که سنت شده بود، به دیگری می بخشند. این موضوع، کسانی را که از کارنامه و مشی وزیر داخله آگاهی داشتند، شگفت زده می کند.

محمد حنیف «اتمر» با کار در سه وزارت یا به جریان انداختن چرخ های سه نهادی که تا پیش از او، همه ی انواع ناکارآمدی را تجربه کرده بودند، در شمار همان افغانان نخبه، خودش را شهره نموده بود که شایسته ی شهرت بودند. وزارت احیا و انکشاف دهات، وزارت معارف، وزارت امور داخله و پیشینه های تحصیلی و کاری دیگر که پشتوانه ی کار های موثر آقای اتمر در جریان وظایف اش شدند، او را توانایی می دادند تا در مدیریت امور، از ارایه ی راه حل مناسب، عاجز نباشد.

یادم می آید در یکی از کمیسیون های ولسی جرگه، اعضای کمیسیون که برای بار نخست با آقای اتمر (به صفت وزیر معارف) روبه رو شده بودند و گمان می کردند، او نیز در شمار وزیران تحمیلی کابینه، حرفی برای گفتن ندارد، از این که پسان تر در برابر منطق اتمر، کم آوردند، سرافکنده می شوند.

وزارت احیا و انکشاف دهات با برنامه ی همبسته گی ملی، وزارت داخله با برنامه ی ژاندارم ملی و وزارت معارف با تطبیق عملی برنامه هایی که اقوام این سرزمین را برای نخستین بار، مجال می داد از مزیت تعلیم زبان مادری با حمایت دولت، همه جانبه سود جویند، آقای اتمر را در شمار آن دست اندرکاران حاکمیت رییس جمهور کرزی، معرفی کرد که کفایت و شایسته گی خویش را در عمل ثابت کردند.

روند گرفتن قربانی از افراد نخبه در حاکمیت رییس جمهور کرزی که بیشترین بر اثر فشار و گاهی بر اساس بی میلی او صورت می گرفتند، از شاروال با کفایت، آقای غلام سخی «نورزاد» تا دکتر رمضان بشردوست و محمد حنیف «اتمر»، پا به پای هنجار های ناخوش آیند، منافع ملی را تهدید کرده اند و نگذاشته اند روند «کار به اهل کار»، نهادینه شود.

امید های مردم پس از ابقای اعضای حکومت ائتلافی، خیلی زود مسوولان راس امور را برای کمایی تحریص، تحریک و غافل می کند تا در اداره ای در پیامد تجربیات سیاسی نادرست، میراثخوار حکومتی شوند که در کشاکش های مدام، بار دیگر از گریبان آن افغانانی بگیرند که با استقلالیت فکری، چند ملجای امید مردم برای سامان بخشیدن به امور دولتی، بدون هراس به جناح ها و تمایلات سلیقه یی و حزبی اند.

محمد حنیف اتمر، در بیش از یک دهه حضور کار دولتی، کسی نیست که تحلیل او را به «مزاق» بقایای بحران زده ای که از کارخانه ی آی.اس.آی بیرون شده اند، بخوانیم.

استقلالیت فکری و جسارت مشاور شورای امنیت ملی، خوف و هراسی ست که دیدیم و تجربه کردیم، خاینان و فاسدان در دایره ی حضور چنین اشخاصی، هرگز و به راحتی قادر نیستند زیاده رویی و تحمیل تمایلات جناحی و گروهی را با امتیاز مدیریت منافع به نفع خودشان به راحتی اعمال کنند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

در واقع رفتار خاص و مبنی بر شایسته سالاری، مُخَلّ اموری بودند که در حاکمیت قبلی، طرف های معامله و ائتلاف کوشیدند با حذف و دور کردن افغانان مایل به مسایل کلان ملی، تشکیلاتی بسازند که اگر امروز در تداوم آن، هرج و مرج دولتی در تضاد و اختلاف اعضای داخل حکومت، اداره ی امور را منحرف می کند، محور هایی حذف شدند که حالا با تکرار تاریخ، بار دیگر در طرح دسیسه و نقشه، برای حذف یکی از موثرترین شخصیت های خیبر (محمد حنیف اتمر) بیدار - خوابی می کشند تا با دور کردن او، ساحه ی عمل باند شر و فساد، به گونه ای باز شود که در کمبود مردمان قاطع و راسخ، حکومت کرزی را به ملعبه ی خواسته های مشروع و نامشروع، مبدل کرده بودند.

پسر ملا ربانی، در حالی که وظیفه ی معلق دارد (سلب صلاحیت شده) خوب می داند که چند متکای مردم در دولت که بیشتر بر اثر کفایت خودشان، دوام آورده اند، در شرایطی که فشار جنگ ها، از ظرفیت های شریکندگان، چون برگ درختان می ریزاند، پیوستن مهم ترین جناح جهادی افغانستان به دولت (انجنیر حکمتیار) و امیدواری هایی که بر رییس جمهور است (مانند حذف بی کاره ای به نام احمد ضیا مسعود) هر چند در دشواری های نظام نو، به آغازی می ماند که برای تداوم آن، مستلزم دقت و هوشیاری ست، اما ضعف حاکمیت در تامین امنیت عامه که در گسترده گی فساد و تاراج ادارات، دولت را در متن آن، چند دسته می کند، آسیب های ناشی از زیاده رویی و چشم سپیدی کسانی را مساله می سازد که مانند پسرک ملا ربانی، در عادت هایی که از حاکمیت کرزی، میراث مانده اند، در ایجاد شر، ذهنیت عامه را مخدوش کنند تا در ناراحتی هایی که توجیه هرج و مرج اجتماعی می شوند، موانعی را از میان بردارند که اگر در حاکمیت کرزی، افغانان نخبه و آگاه، حمایت می شدند، ساحه ی نفوذ و استفاده از امکانات دولتی، دشمنان داخلی نظام را اجازه نمی داد، ضمن سود های کلان، در مواقعی که سرنوشت ملت در مقاطع حساس، مانند انتخابات، تعیین مشی ملی، تعریف منافع ملی و سیاست گذاری های خارجی در حالی که مدیریت امور داخلی در ترتیب و سامان بخشیدن اجتماع، اولویت ها را می سازد، درگیر منازعه ای نباشند که دولت را با سردرگریانی در پرداختن به خواسته های جناح ها و گروه ها، عملاً فلج و بی خاصیت کرده است.

تبصره ها، اخبار و قلم فرسایی های طبقات مختلف باند شر و فساد، نشان می دهند، اهمیت حضور اتمر ها در دولت، در تعیین مشی دولت برای توجه به منافع ملی و ایجاد مواضع افغانی داخل حکومت، چه قدر به زیان دشمنان داخلی حکومت (باند فاسد شر و فساد) تمام می شود. آرزوی آنان برای حذف افراد آگاه و مستقل، در هراس دایم از این حقیقت نهفته است که مردان و زنان جسور و متمایل به منافع علیای کشور، اولویت های مردم و مملکت را در حدود تنگ نظری های قومی و زبانی، ملاحظه نمی کنند.

تذکار این نکته در این نوشته، در تبیین این واقعیت کمک می کند که موج مخالفت های گسترده در برابر افغانان آگاه، خود ارزش و بهای کسانی را نشان می دهد که بر اثر تاثیرگذاری های موثر در حساب منافع ملی و نفی عناصر ضد ملی، خاینان و فساد پیشه گان را می لرزانند تا با هراس دایم از آنان، به مقصودی نرسند که در نبود اتمر ها دیدیم چه قدر زیان کرده ایم. محمد حنیف اتمر، از پایه ها و ستون های مهم افغانی در حاکمیت است. اجازه ندهیم با عبور از این خط سرخ، به جایی برسند که وقتی در مسند قدرت و صلاحیت می رسند، آفات حکومت در همسویی با بلایای جنگ همه روزه، دولت را دو سویه تضعیف می کند. در حالی که جای خالی افغانان نخبه در حاکمیت به بیش از نود درصد می رسد، خالی کردن جای اتمر ها، مساوی به تسلیم، تقدیم و تمکین در برابر کسانی ست که با وجود روشنگری های گسترده بر زوایای مختلف زنده گی آنان، هنوز که هنوز است، روزه ای به چشم نمی آید که آیا ارزش امثال ربانی ها و همفکران او در 40 سال حضور سیاسی، به چه پیمانه ای در رفاه و عمران مملکت موثر بوده است؟ آیا ارزشش را دارد در متن واقعیت هایی که امروزه زیان های ما را به سطح بلند، بر اثر تعدی بیگانه نشان می دهد، نخبه گان خویش را فدا و قربانی کسانی کنیم که به اصطلاح «دو توت» ارزش ندارند.

صلاح الدین ربانی و جمعیت به اصطلاح اسلامی و شورای شر و فساد، چند غده ی چرکین تجربیات سیاسی افغانستان اند که در اولویت پاک کاری، نیازی به دسته بندی ندارند. اگر روزی در ساحه ی اقتدار ملی، آرمان های مردم برآورده شدند، محاکمه و بازخواست کسانی، ملت را به آرامش می رساند که تنها در محدوده ی خانواده ی ربانی، آن استنادک معمولی پوهنهی شرعیات، نشان می دهد با میلیارد ها دالر دزدی و اختلاس، با کارنامه ای از ردایلی سیاسی، نفاق، انحصار قدرت و خیانت های نابخشدنی، حضور و خاطرات شوم شان، مستندی از بدترین تاریخ افغانستان را به نمایش می گذارد. هرگز و مبادا که حاکمیت نحس و ننگین ربانی و موثلفان اش را از یاد ببریم. اینان در آن چهار سال، با ویرانی تمام زیربنا ها، ضیاع تسلیحات نظامی، پایین بردن شان حاکمیت، تجاوز به ناموس مردم، تخریب شهر ها، قتل عام (حادثه ی تلخ افشار و چنداول)، بدتر از بد اند.

بیا بد رُگ و راست باشیم! ادبیات ضد ملی دشمنان داخلی، آن قدر وقیح و زشت است که ما را تشویق می کند، اگر هم نشین بدان نیستیم، با درک ناگواری های صدای خاموش، اختیار موضع احتیاط مضر و ملاحظاتی که هرگز و به خیر ما نیستند، تسلیم فشار و تحمیلی نشویم که فقط علاقه مند است از کسانی آسوده شود که خواب خاینان شناخته شده ی تاریخی را خراب می کنند.

شرط ما در حمایت از پروسه ی اصلاحات و حاکمیت قانون و رییس جمهور، حضور و تضمین کار اتمر هاست. ما، اهل کار و خدمت را خوب می شناسیم!

د پاپو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی